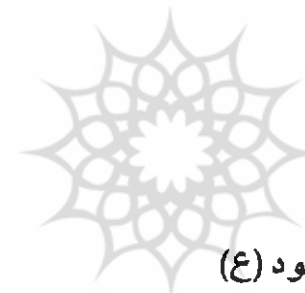


## انتظار قیام مصلح

امام جعفر صادق «ع» فرمود:  
«هر ملتی دولتی دارند که در انتظاره  
و آن می‌باشند ما نیز دولتی داریم که  
در آخر الزمان آشکار خواهد  
«گردید» (۱) .  
یوسف گم‌گشته با زآید بکنعان غم‌مخور  
کلبه‌آحزان شود روزی گله‌آستان غم‌مخور  
«حافظ»



... از دیدگاه ملیون

... از دیدگاه سنیان

... از نظر شیعه

شخصیت مهدی موعود (ع)

یک اشکال واهی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پاسخ آن

انتظار قیام مهدی «ع» از نظر اخبار

تفسیر صحیح از انتظار قیام مهدی «ع»

انتظار قیام مصلح از دیدگاه ملیون:

ملیون و صاحبان ادیان آسمانی مانند یهود، نصاری و مجوس،

۱- لکن اناس دولة یرقبونها و دولتنا فی آخر الدهر تظهر

عموماً معتقدند که وقتی جوړو ستم ، جنگ و خون ریزی ، غارت ثروت های عمومی بدست دزدان و غارتگران بین المللی ، نفاق و دورویی ، بی عفتی و بی بندوباری و غیره ، روزگار بشریت را مانند شب تیره و تار سازد و رفاه و آسایش را از بین ببرد ، و شقاوت و بدبختی سراسر جهان را ، فرا بگیرد شخصی عادل و مصلح قیام میکند که به ظلم و ستم پایان داده و بساط عدل و داد را در جهان میگستراند ، جلویی عفتی و بی بندوباری را گرفته و بشریت را به سعادت ابدی سوق میدهد ، و رفاه و امنیت عمومی را برقرار میسازد و دامن جنگ و خون ریزی را برچیده و پرچم صلح و آزادی و امنیت و آرامش را در سراسر جهان به اهتزاز درمی آورد ، و بشریت را که در لجن زار شهوت رانی و بوالهوسی دست و پامیزند ، نجات داده به تفکر و تعقل صحیح و علم و دانش واقعی رهبری می نماید و استعداد های نهفته بشری را از مخفی گاه وجودشان وارد مرحله عمل میسازد ، و خلاصه بشریت را از صفات نکوهیده و رفتار ناپسندیده منصرف ساخته به خصلت های ملکوتی و کردار پسندیده ، رهنمائی میفرماید ، و جهانی که بر اثر طغیان و سرکشی بزه کاران ، گناهکاری و گمراهان جهنمی سوزان شده به بهشتی سرسبز و خرم تبدیل مینماید .

مانمیز خواهیم برای اثبات این ادعا اقامه دلیل نمائیم ، بلکه منظور ما اینست که خواننده گرامی را تا حدودی متوجه کنیم که اعتقاد به قیام مصلح و عادل در آخر الزمان مخصوص شیعیان نیست ، بلکه قولی است که جملگی بر آنند ، از اینرو تنها به نقل گفتار یکی از دانشمندان مسیحی اکتفا مینمائیم :

«داره مستتر» فرانسوی در صفحه پنجم کتاب «مهدی از صدر

اسلام تا قرن حاضر» مینویسد: نکته مشترک که در دیانت «کلیمی، مسیحی و مسلمان» وجود دارد اینست که همگی معتقدند که در آخر الزمان شخص ملکوتی و فوق العاده ای خواهد آمد که نظم و عدالت از دست رفته را بجهان باز آورده و سعادت ابدی را برای عموم بشریت تأمین می نماید، یهودیان و همچنین مسیحیان او را مسیح و از اولاد داود (ع) میدانند و زردشتیان (مجوسیان) او را پسر زردشت پیغمبر خودشان میدانند و مسلمانان نیز او را از اولاد پیغمبر خود میدانند» (۱)

از اینجا معلوم میشود که انتظار قیام مصلح و آمدن شخصی عادل که منجی بشریت از گرداب ضلالت و گمراهی است، مخصوص مسلمانان و یا مخصوص شیعیان نیست، بلکه صاحبان ادیان دیگر نیز در انتظار شخصی ملکوتی میباشند که در آخر الزمان قیام میکند و با قدرت ژرف الهی خود که مافوق قدرت انسانی است، به تمام بدبختها و بیچارگیا خاتمه داده و بساط سعادت و عدالت عمومی و همیشگی را در جهان می گستراند و بشریت را از ورطه شقاوت و پرتگاه نیستی به سوی سعادت و ساحل حیات و هستی رهنمون میگردد.

فرقی که مسلمانان با صاحبان ادیان دیگر در این مسئله دارند اینست که مسلمانان آن شخص الهی و ملکوتی را از اولاد علی و فاطمه می دانند و معتقدند که وی از دودمان پیغمبر (ص) است که در آخر الزمان بدنیا می آید و پرچم هدایت و ارشاد را بردوش گرفته و جهان را مملو از عدل و داد خواهد نمود، و صاحبان ادیان دیگر هر کدام او را از دودمان و تیره ای میدانند ولی آنها نیز مانند مسلمانان (غیر شیعه) معتقدند که وی در

آخر الزمان متولد خواهد شد .

... از دیدگاه سنیان

عقیده به قیام مهدی چنانچه بعضی تصور کرده اند تنها یک ایده و فکر شیعی نیست ، بلکه عموم سنیان نیز بدان معتقد می باشند ، و عقیده تمام مسلمانها اینست که پس از آنکه جهان را ظلم و فساد فرا گرفت در آخر الزمان شخصی مصلح و عادل پایه عرصه وجود میگذارد و با قیام الهی خود جهان را پراز عدل و داد کرده ریشه ظلم و فساد را از بیخ و بن برمی اندازد ، و این ادعا با مراجع به کتب اهل سنت مدلل می گردد ، ما بعنوان نمونه نام بعضی از آنها را یاد آور شده و نویسندگان آن کتب را نیز نام میبریم :

- ۱- کتاب اربعین تألیف ابو نعیم اصفهانی
- ۲- البیان فی اخبار صاحب الزمان تألیف گنجی شافعی
- ۳- کنز العمال تألیف علی بن حسام الدین هندی
- ۴- علامات المهدی تألیف جلال الدین سیوطی
- ۵- علامات المهدی المنتظر تألیف ابن حجر
- ۶- المهدی- تألیف حماد بن یعقوب
- ۷- عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر تألیف ابی بدر مقدس
- ۸- فصول المهمه تألیف علی بن محمد بن صباغ مالکی
- ۹- مناقب. تألیف خطیب خوارزمی
- ۱۰- فرائد السمطین تألیف حمونینی
- ۱۱- مطالب السئول فی مناقب آل الرسول، تألیف شافعی
- ۱۲- الفهرست، تألیف ابن ندیم
- ۱۳- وفيات الاعیان، تألیف ابن خلیکان

۱۴- کشف الظنون

۱۵- روضات الجنات

۱۶- معجم الابداء و بسیاری از مؤلفات دیگر

نکنه جالب اینکه اخبار مر بوط به قیام مهدی در آخر الزمان بقدری زیاد است که ابن حجر مکی از متعصبین اهل سنت در کتاب «صواعق محرقة» ادعای تواتر آن کرده است و همچنین صاحب کتاب «نور الابصار» نیز صریحاً متواتر بودن آن را تصدیق مینماید، و اصولاً اهل سنت در باره امامت و خلافت دوازده نفر از اولاد علی و فاطمه روایات بسیاری نقل کرده اند که در همه آنها راجع به قیام مهدی موعود دوازدهمین امام و خلیفه بعد از پیغمبر اسلام (ص) در آخر الزمان صریحاً یاد شده است.

### از نظر شیعه دوازده امامی

شیعیان (دوازده امامی) نیز معتقدند که در آخر الزمان مهدی موعود که از دو دمان پیغمبر و دوازدهمین جانشین آنحضرت و فرزند امام حسن عسکری (ع) است، ظهور خواهد کرد و با قیام خود دنیای پر از ظلم و ستم را بدنیائی مملو از عدل و داد تبدیل نموده و روزگار بشریت را که بر اثر ظلم و جنایتها، خیانتها و بی عدالتیها، همچون شب دیجور تیره و سیاه گردیده با گستردن بساط حق و عدالت، منور و روشن خواهد ساخت.

فرقی که شیعیان در این موضوع با سنیان دارند اینست که سنیها معتقدند که مهدی موعود هنوز از مادر متولد نشده و در آخر الزمان متولد میگردد، و پس از رسیدن به رشد و کمال به امر خدا قیام میکند، ولی عقیده شیعیان بر آنستکه مهدی موعود همین فرزند امام حسین

(ع) و پسر امام حسن عسکری (ع) و دوازدهمین پیشوای شیعیان است و او در سال ۲۵۵ هجری روز نیمه شعبان هنگام طلوع فجر در شهر سامره از زنی بنام «نرجس خاتون» متولد گردید، پدران او تا به امیرالمؤمنین علی (ع) همگی امام و پیشوای مسلمین و جانشینان پیغمبر (ص) میباشند.

### شخصیت مهدی موعود (ع)

وی دوازدهمین ستاره درخشان آسمان امامت و آخرین وصی پیامبر اکرم (ص) و حجت خدا بر خلق است، نام او نام پیغمبر (ص) و کنیه اش کنیه آنحضرت است پدرش امام حسن عسکری (ع) یازدهمین امام شیعیان میباشد، مادرش نرجس خاتون از شاهزادگان است که در جنگی که میان مسلمانها و روم شرقی روی داد اسیر گردیده و به عراقش آوردند و امام دهم حضرت هادی (ع) او را خرید، و در روایت وارد شده که امام هادی (ع) پس از آنکه نرجس را خریداری نمود او را به خواهرش «حکیمه» سپرد تا احکام دین را به وی بیاموزد، آنگاه او را به فرزند برومندش حضرت امام حسن عسکری (ع) بخشید، و در سال ۲۵۵ هجری دوازدهمین حجت بر حق حضرت بقیه الله امام زمان (ع) از او بدنیا آمد.

ولادت امام زمان (ع) بی شبهات به ولادت حضرت موسی بن عمران (ع) نبود، زیرا همانطور که برای نگهداری حضرت موسی (ع) از گزند فرعون، از نظر مادرش غائب گردید، امام زمان (ع) نیز از دیده نرجس پنهان گردید، تا وجود حضرتش از گزند دستگاه خلافت

وقت ، محفوظ بماند، و هر چهل روز یکبار بوسیله پدیر بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) او را نزد مادرش میآوردند .

علت غیبت امام زمان (ع) از نظرها (حتی از نظر مادرش) این بود که زمامداران غاصب‌رقت (خلفای عباسی) از اخبار مربوط به قیام مهدی خبر داشتند و میدانستند که مهدی آل محمد بالاخره روزی علیه دستگاه جبار آنان قیام خواهد نمود و بساط ظلم و ستم را بر چیده و ستمگران را به کیفر اعمال خود میرساند، از اینرو همانند فرعون مصر که برای جلوگیری از تکوین حضرت موسی (ع) حتی خاندهای مصریان و رحمهای زنان را سانسور کرده بود، بیت امام حسن عسکری (ع) نیز کاملاً تحت مراقبت پلیس مخفی دستگاه خلافت قرار داشت ، ولی غافل از آنکه همانخدائی که نقشه خصمانه فرعون مصر را نقش بر آب ساخته و تلاش مذبحخانه آن جاهل بدبخت را خنثی و بی اثر ساخت ( بطوریکه نقل شده) مادر موسی در جوار تخت خدائی فرعون به حضرت موسی (ع) بارور گردید و تحت سرپرستی او یعنی در کاخ باشکوه فرعون دوران کودکی را سپری ساخت ، و همینکه بحد رشد و کمال رسید به امر خداوند بزرگ قد مردانگی علیه فرعون برافراشت و جهان را از لوٹ و جود او و اتباعش پاک گردانید همان خدا نیز حجت خود را از گزند فرعون عصرش محافظت مینماید و نمیکندارد بر ولادت او اطلاع حاصل نمایند، بلکه به امر خدا باید میلاد او بطور اسرار آمیزی انجام پذیرد و از انظار دشمنان خونخوار دور گردد و در پناه و حفظ خداوند نگهداری شود. و تلاش خلیفه بدانندیش و ستمگر بی اثر بماند.

ولی اگر از همان روز و همان ساعت غیبت کبری کرده و از نظر همگان پنهان میگردید، پیروان و شیعیان همچنان حیران و سرگردان و ای بسا در حال شك و تردید، باقی می ماندند، از اینرو عده ای از یاران باصفا و شیعیان خاص او در غیبت صغری آنحضرت را ملاقات نموده و احکام خدا را از او فرا می گرفتند و واسطه بین او و شیعیان بودند، و غیبت صغری مدت هفتاد سال طول کشید، و در خلال این هفتاد سال ۴ نماینده (نواب اربعه) خدمتش میرسیدند، که نمایندگی آنان رسمی و مورد امضای آنحضرت بود، و آنان عبارتند از:

- ۱- عثمان بن سعید عمری ۲. فرزند او ابو جعفر محمد بن عثمان
  - ۳- ابو القاسم حسین بن روح نوبختی ۴- ابو الحسن علی بن محمد سمري
- و پس از مرگ علی بن محمد سمري (چهارمین نایب آنحضرت) باب نیابت مسدود گردید، و غیبت کبری آغاز شد و در زمان غیبت کبری زعامت شیعیان و نیابت عامه امام زمان (ع) شروع گردید؛ و حل و فسخ امور بدست علما و مجتهدین سپرده شده و باب اجتهاد بر روی آنان گشوده شد. تا حکم و قایع و حوادثی که در میان مردم پدید می آید، از ادله عامه استفاده نموده بیان نمایند و مردم را از حیرت و سرگردانی بیرون آورند؛ اجتهاد از نظر دنیای اسلام یکی از مترقی ترین دستورات دین مقدس اسلام و یکی از بزرگترین مزایای آنست، زیرا اجتهاد مردم را از جمود و رکود باز میدارد و آنها را با مترقی ترین قوانین جهان همگام میسازد. میدان سخن در این باره بقدری وسیع است که این مقال مختصراً نمیرسد که آن مسئله عریض و پردامنه را مورد بحث قرار بدهد و علاوه، از موضوع بحث ما بیرون است، خوانندگان



محترم اگر بخواهند در این موضوع اطلاعاتی کسب نمایند کتاب «**مرجعیت و روحانیت**» را با دقت مورد مطالعه قرار دهند که این مسئله تا حدودی در آن کتاب مورد بحث و تحقیق ورد و انتقاد قرار گرفته است.

بحکم اینکه گفته میشود: «**الفضل ماشهدت به الاعداء**» سخن کوتاه‌ها را از دانشمند فرانسوی «**هانری گربن**» که در باره امام زمان (ع) گفته است یادآور میشویم؛ این دانشمند معاصر در تاریخ و فلسفه اسلام و تشیع دارای مطالعات عمیقی است و آثار فراوانی از وی چاپ شده و در دسترس عموم گذارده شده از آن جمله کتابی است بنام «**امام منتظر**». وی در آن چنین مینویسد:

«هنگامیکه امام حسن عسکری (ع) در ایام جوانی بود، شاهزاده خانمی از اهالی «بیزانس» بنام «**نرجس**» او را در عالم رؤیا دید و در عالم خواب بدست فاطمه دختر محمد (ص) مسلمان گردید، و حضرت مسیح (ع) در عالم رؤیا دختر خود را به پسر حضرت محمد (ص) داد، نرجس پس از این رؤیا قلبش سرشار از عشق امام حسن عسکری و تا آنکه جزء اسیران او را بیغداد آوردند و از وصال امام حسن عسکری (ع) بر خوردار گردید و از آنها فرزندی پای بعرضه وجود نهاد که همه چیز او اسرار آمیز بود.

وی پنج یا شش ساله بود که پدرش بدرود زندگی گفت ولی در همین دوره از عمر مسئولیت‌های بزرگی بر عهده گرفت و برای ایفای وظایف قطعی و خطیر خود به جهاد پرداخت، و پس از دیدگان غایب

گردید و قدم در عالم و اوضاعی بس اسرار آمیز نهاد (۱)

### يك اشكال واهي

روایات راجع به امام زمان و اینکه وی فرزند امام حسن عسکری (ع) است و مادر او «نرجس خاتون» از شاهزادگان بوده، از نظر شیعه «متواتر» است. خبر متواتر آنرا گویند که برای انسان یقین آور باشد، فی المثل وجود خانه کعبه در مکه از نظر کسی که خود به آنجا نرفته و بچشم خود آنرا ندیده قطعی است و علت این قطع و یقین آنست که مکرر و متواتر از کسانی که به مکه رفته و خانه کعبه را زیارت نموده اند، شنیده و اکنون وجود کعبه برای او قطعی است، اصطلاحاً اینگونه خبر را متواتر میگویند، و اخبار راجع به ولادت امام زمان فرزند امام حسن عسکری از نرجس خاتون در سال ۲۵۵ هجری در شهر سامرا نیز متواتر و قطعی است، و جای هیچگونه شك و تردیدی نمیباشد.

ولی در این باره از طرف مخالفین اشکالی طرح شده است و آن اینکه: عمر طبیعی يك فرد انسان در این قرون و اعصار، محدود است، و برخلاف طبیعت است که کسی در این عصر و روزگار یک هزار و اندی سال زندگی نماید. روی این حساب اعتقاد به ولادت او در هزار سال و اندی پیش و حیات آنحضرت تا این زمان جز يك فکر خرافی و بی اساس نخواهد بود.

گرچه این اشکال بسیاری مورد وواهی است و پاسخ آن نیز چندان مشکل نیست، ولی برای اینکه در این مقاله از این ایراد پاسخی

گفته باشیم میگوییم:

شخصی که این اشکال را طرح نموده از دو حال نمیتواند بیرون باشد. زیرا وی یا مادی و منکر مبدأ جهان آفرینش است، و یا پیر و یکی از ادیان آسمانی میباشد بر فرض نخست، پاسخوی آنستکه طولانی شدن عمر بشر و به چند برابر عمر طبیعی و معمولی رسیدن، موضوع محالی نیست، بلکه از نظر دانش روز امکان آن اثبات گردیده و این معما (البته از نظر اشکال کننده) حل شده است. خلاصه سخن اینکه «پیری» از نظر دانشمندان و مکتشفین معاصر یک بیماری علاج ناپذیری نیست، بلکه دانشمندان در صدد برآمده اند دارویی بسازند که جلو این بیماری را گرفته و یا آنرا علاج نماید، پروفیسور «آنا اصلان» دارویی از ترکیبات «نو کائین» برای این موضوع کشف نموده و وعده داده است که بزودی آنرا در دسترس جهانیان قرار خواهد داد، و دلیل امکان آنرا اینچنین بیان کرده است: «پیری عبارت است از فرسودگی و ضعف سلولهای بدن و این دارو بطور اعجاز آمیزی آن سلولها را تقویت نموده و جوان میسازد و بدینوسیله به عمر پیری خاتمه داده میشود».

و نیز کشف کرده اند که عمر ملکه زنبور عسل بر اثر عسل مخصوصی که مورد تغذیه و قرار میگیرد بمراتب بیش از عمر سایر زنبور-هاست، و نیز روی بعضی از موشها و بعضی از درختان آزمایش شده که اگر تحت شرایط مخصوصی زندگی نمایند، ممکنست عمر آنها تا چهل برابر عمر طبیعی افزایش یابد، و اگر خواننده محترم بخواهد در این باره اطلاع بیشتری پیدا نماید میتواند به کتابهایی که در باره امام زمان (ع) نوشته شده مراجعه نماید.

و اگر اشکال کننده پیرو یکی از ادیان آسمانی یعنی : مسلمان یا نصاری یا یهود بوده باشد در پاسخ آنها چنین میگوئیم : آیا معجزات حضرت محمد (ص) و عیسی بن مریم و موسی بن عمران علیهم السلام ، از قبیل معراج و انشعاق قمر ، وید بیضا و اژدها شدن عصا و زنده کردن مرده و علاج بیماریهای غیر قابل علاج و یا صعبالعلاج (بدون داروی آنها) و امثال این معجزات را چگونه تفسیر و توجیه مینمائید ، اگر در پاسخ این سؤال گویند آنان پیغمبر و فرستاده حق بودند و برای اثبات سفارت و رسالت خود محتاج به ارائه دلیل بودند ، و این معجزات و اعمال خارق العاده دلائلی بود که بوسیله آنها نبوت خود را برای مردم اثبات نموده و به مردم فهمانیدند که خود افراد فوق العاده ای بوده و با عالم غیب مربوط هستند و از جانب خدا به سمت رهبری مردم فرستاده شده اند .

ما این پاسخ را از آنان می پذیریم و همان را پاسخ اشکال آنان در خصوص مسئله مورد بحث قرار می دهیم و میگوئیم شما که وجود معجزه و کارهای خارق العاده و غیر طبیعی را اقرار دارید چه مانعی دارد که طول عمر امام زمان (ع) نیز معجزه و کاری خارق العاده بوده باشد ، زیرا همان خدائی که بنده خویش را با بدن عنصری از عالم خاک بجهان پاک و از حسیض ناسوت به اوج لاهوت میبرد و ماه عالم شهود را دوباره ساخته تا نظاره کنندگان آنرا با چشم خود مشاهده نمایند ، و عصائی را بصورت اژدهائی مهیب درمی آورد و مرده را با طریق غیرطبیعی (گرچه از طریق طبی نیز غیر قابل علاج است) زنده میسازد همان خدا میتواند بنده ای از بندگان خود را روی مصالحی که از نظر ما مردم (بواسطه ضعف نیروی درک ما) پوشیده است عمری دراز مرحمت فرماید بطوریکه در ردیف سایر

معجزات و کارهای خارق العاده قرار بگیرد ، بلکه این کار خیلی آسان تر از زنده ساختن مرده و اژدها ساختن عصا و پاره کردن ماه میباشد .

و در اینجا پاسخی اقماعی نیز میتوان داد و آن اینکه آیا صاحبان ادیان خدای عالمیان را بر هر کاری قادر میدانند یا نه و آیا معتقدند که (ان الله علی کل شیء قدیر) خدای جز بر کارهای مجال بر هر چیزی قدرت دارد اگر آنان منکر قدرت خدا شوند و خدای را قادر بر هر کاری ندانند ، ناگزیر باید خدای را عاجز بدانند و عجز از صفات نقص است و ذات اقدس او از هر نقص منزّه و میراست «تعالی الله عن ذلک علواً کبیراً» و اگر به قدرت خداوند ایمان داشته باشند و خدا را بر هر کاری قادر بدانند پس چه عیبی دارد که خداوند بر خلاف عادت و طبیعت بنده ای از بندگان خود را بقدری عمر طولانی بدهد که صد برابر و بیشتر عمر طبیعی برسد ، بر خوانندگان محترم پوشیده نیست که پاسخ دوم خلاصه پاسخ نخست است و اگر چنانچه از نظر ظاهر متعدد بنظر برسد از نظر روح و جان یکی میباشد .

### انتظار قیام مهدی (ع) از نظر اخبار

انتظار قیام مهدی از نظر رهبران مذهبی و علمای شیعه جزو عبادات و اعمال شایسته و پسندیده میباشد ، روایات و اخبار زیادی در این باره با تعبیرهای مختلف وارد شده و صاحب منتخب الاثر ۲۳ روایت در این باره ایراد کرده که ما بعضی از آنها را در اینجا ایراد میکنیم :

۱- امام ششم (ع) میفرماید : « کسیکه بمیرد در حالیکه انتظار

قیام مهدی (ع) را داشته باشد مانند کسی است که در خیمه امام با امام بوده

باشد بلکه (بالاتر بگویم) مانند کسی است که پیش وی پیغمبر (ص) (در جهاد با کفار) شمشیر زده باشد» (۱) .

۲- امام هشتم (ع) از جدش پیغمبر نقل کرده که آنحضرت فرمود:  
«افضل اعمال امنی انتظار فرج من الله عزوجل» (۲) .

۳- امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «المنظر لامرنا كالمشحط بدمه في سبيل الله» (۳) .

۴- حدیث مفصلی از کافی نقل کرده که خلاصه مضمون آن اینست که: ... یکی از شیعیان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام تقاضا کرد که طریقه خود و پدران را جهت او بیان فرماید تا او نیز در زندگی از آن پیروی نماید، حضرت بوی فرمود: «گرچه سؤال تو کوتاه بود ولی بسیار عظیم و پر مغز است . . . طریقه ما عبارتست از: ۱- شهادت بروحانیت خدا و رسالت محمد مصطفی (ص) ۲- اقرار به آنچه او از جانب خدای آورده است، ۳- دوستی با دوستان اهل بیت و دشمنی با دشمنان شان ۴- قبول ولایت اهل بیت ۵- انتظار قیام قائم آل محمد علیهم السلام ۶- کوشش در عبادت و پرهیز کاری».

### تفسیر صحیح از انتظار قیام مهدی (ع)

اگر ما موضوع انتظار قیام مهدی علیه السلام را بمفهوم واقعی خود

(۱) من مات منتظراً لهذا الامر كان كمن كان مع القائم في فسطاطه لابل كان كالضارب بين يدي رسول الله (ص) بالسيف .

(۲) یعنی بهتر بن اعمال امت من انتظار فرج از طرف خداوند بزرگ، میباشد .

(۳) کسیکه منتظر قیام مهدی ما بوده باشد مانند کسی است که در راه خدا

درخون خود غلطیده باشد .

و آنطور که هست تصور کرده و درك نمائیم تصدیق خواهیم کرد که این خود عقیده ای صحیح بوده و دارای آثار و فوائد زیادی است ، زیرا بطوریکه از روایات و اخبار استفاده میشود ، منظور از قیام مهدی (ع) در آخر الزمان برافراشتن پرچم صلح و عدل در سراسر گیتی و برانداختن اساس ظلم و ستم میباشد ، در زمان قیام مهدی مردم روی زمین به آسایش و رفاه واقعی رسیده و مفهوم واقعی زندگی و سعادت را درمی یابند ، و پیدا است که کمترین فایده این عقیده اینست که چراغ امید را در دل های افسرده مردمی که از فشار ستمها ، بیداد گریها ، بی عدالتهایا ، تبعیضها و ... بستو آمده اند روشن ساخته و به آئینده شان خوش بین نموده و بخود نوید دهند که :

یوسف گم گشته باز آید بکنعان غم مخور

کلیه احزان شود روزی گلستان غم مخور  
 و زمینه را برای قیام پرچمدار نهضت و آزادی واقعی آماده ساخته و تاجائی که قدرت دارند در راه اصلاح مفاسد فردی و اجتماعی بکشند و خود و جامعه را طوری پروراند که اگر قیام آنحضرت مصادف با حیات آنها شد در برابر او سر مساروسر افکنده نباشند .

حالا اگر بعضی از مغرضین و بازیگران و مردم انتهازی ، این موضوع حیاتی را طوری دیگر و انمود کرده و آنرا یکی از عقائد خرافی شیعه بدانند ، و بگویند عقیده به قیام مهدی (ع) و انتظار ظهور او مایه افسردگی و تنبلی و شانه خالی نمودن از زیر بار مسئولیت و یأس و ناامیدی است ، باید در پاسخ اینگونه افراد گفت : نخست باید از مر کب عناد و لجاج پیاده شد و بیطرفانه روایاتی را که در این باره وارد شده مطالعه کرد و منظور شیعه را آنطور که هست درك نمود و سپس دید آیا جائی برای این ایراد باقی می ماند و آیا این

کتابخانه

سخن جز يك اتهام و نسبت ناروامی تواند باشد؟

وانگهی شانه خالی کردن بعضی از افراد شیعه از زیر بار مسئولیت و سوء استفاده بعضی از مردم راحت طلب و سست و بی اعتنائی به بعضی از کارهای اساسی و گفتن اینکه دیگر کار از عهده ما خارج است مگر خودش بیاید و کاری بکند، عمل اینگونه افراد نمیتواندسند و مالاك عدم صحت انتظار قیام مهدی (ع) و خرافاتی بودن آن بوده باشد.

علاوه بر اینکه این عقیده اختصاصی به شیعه ندارد، بلکه تمام فرق اسلامی در این عقیده باشیعه هم صدا هستند النهایه اینکه شیعه نسبت به این موضوع اهمیت بیشتر قائل است. بلکه پافرا تر نهاده و میگوئیم پیروان تمام ملل و نحل دنیا در انتظار قیام شخصی مصلح و عادل روز شماری میکنند که بیاید و دنیای پرا ز ظلم و ستم را به جهانی مملو از عدل و داد تبدیل نماید و بشریت را از شکنجه و فشار زندگی نکبت بار نجات داده به يك زندگی سعادت مندانه و ایده آل نائل سازد **همه در انتظار آنروز** .

باد صبا مژده ده درد پایان رسید به آسمان وجود نیر تابان رسید  
بلبل شوریده را فراق پایان رسید به بوستان وجود بین سرو سامان رسید  
بشاخ گل بین چسان بلبل دستان رسید

دوباره آب حیات به تشنه کامان رسید

کتابخانه فیضیه قم

☆☆☆

دوباره کرده طلوع کوکب رخشنده ای

چو در شب چارده ماه فروزنده ای



و یا بروز ضحی نیر تابنده‌ای  
 زحق نموده ظهور عجب نماینده‌ای  
 که از قدوم چنین سیدفرخنده‌ای  
 زحق بر اهل زمین مژده شایان رسید



ای که بود با تو آن سیطره احمدی  
 با تو بود قدرت و هیمنه حیدری  
 بر کف تو استوار معجزه عیسوی  
 خدا نمودت عطا منظره یوسفی  
 نما به خلق از کرم نظاره مشفق  
 که از فراق تو جان بر لب جانان رسید



صاحب کوثر توئی خازن رضوان توئی  
 خضر پیمبر توئی چشمه حیوان توئی  
 مهر سپهر هدی بر همه سلطان توئی  
 بقیه الله را بر اهل ایمان توئی  
 ملجأ و مأوای ما حافظ قرآن توئی  
 نظاره ای از وفا موسم احسان رسید



شها بماشیعان لحظه‌ای امداد کن  
 از نظر معنوی زمانه آباد کن

جمعیت گمراهان دو باره ارشاد کن  
 پایه عدل و داد دو باره بنیاد کن  
 (ادیب لاری) ز لطف خرمو دلشاد کن  
 که از فراق ورا عمر بیایان رسید

### مبارزه با دیونفس

جوانمرد باشید و فداکاری کنید عفریت شهوت  
 را بازنجیراراده در بند کشید و آرزوهای دور و دراز  
 را از مغز جان خویش بدور افکنید اهریمن ناپاک همواره  
 کوشش کند که رهروان را از راه بازدارد و به بیراهه  
 دراندازد وی در ایفای این نقش منحوس بوسیله های  
 گوناگون دست یازد و هزاران نیرنگ و فریب بکاربرد،  
 گناهان را از آنسوی که زیباترود لربا تراست در چشم  
 دیگران جلوه دهد و هرگز نگذارد دیده کسی بدرون  
 این پرده فریبنده راه یابد و آن منظره زشت و هول-  
 انگیز آشکار شود.

حضرت علی (ع)